

باسمه تعالی

شرح دعای روز دوازدهم ماه رمضان از آیت الله مجتهدی

♦ متن و ترجمه دعای روز دوازدهم ماه مبارک رمضان:

اللَّهُمَّ زَيِّنِي فِيهِ بِالسَّتْرِ وَالْعَفَافِ وَاسْتُرْنِي فِيهِ بِلِبَاسِ الْقُنُوعِ وَالْكَفَافِ وَاحْمِلْنِي فِيهِ عَلَى الْعَدْلِ وَالْإِنْصَافِ وَآمِنِّي فِيهِ مِنْ كُلِّ مَا أَخَافُ بِعِصْمَتِكَ يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِينَ^۱

خدایا! مرا در این ماه به پوشش و پاک دامنی بیاری، و به لباس قناعت و اکتفا به اندازه حاجت بیوشان و بر عدالت و انصاف وادارم نما، و مرا در این ماه از هرچه می ترسم ایمنی ده، به نگهداری ات، ای نگهدارنده هراسندگان!

♦ اللَّهُمَّ زَيِّنِي فِيهِ بِالسَّتْرِ وَالْعَفَافِ

خدایا در ماه رمضان مرا بدو چیز زینت بده؛ یکی: ستر و دیگری؛ عفاف

ستر یعنی؛ گناهان مردم را مخفی کن، دنبال عیوب خویشان باش، خوشا به حال بنده ای که به عیب خودش می پردازد و به عیوب دیگران کاری ندارد^۲. اگر رفیق شما عیبی دارد به کسی نگو! این عمل شما از مصادیق غیبت است و اعمال چهل روز را از بین می برد^۳.

^۱ إقبال الأعمال، ص: ۱۴۲.

اللهم زين لي [و ارزقني] فيه الستر [زيني فيه بالستر] و العفاف و استرني فيه بلباس [و ألبسني فيه لباس] [الصبر و] القنوع الفضل و الكفاف و حلني فيه بحلي و الإنصاف [و نجني فيه مما أخطر و أخاف] بعصمتك يا عصمة الخائفين [برحمتك يا أرحم الراحمين]

^۲ رک: مستدرک الوسائل، ج: ۱، ص: ۱۱۶.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ [عليه السلام] فِي بَعْضِ خُطْبِهِ يَا أَيُّهَا النَّاسُ طُوبَى لِمَنْ شَغَلَهُ عَيْبُهُ عَنْ عُيُوبِ النَّاسِ.

^۳ رک: مستدرک الوسائل، ج: ۷، ص: ۳۲۲.

جَامِعُ الْأَخْبَارِ، عَنْ النَّبِيِّ [صلى الله عليه و آله] أَنَّهُ قَالَ مَنْ اغْتَابَ مُسْلِمًا أَوْ مُسْلِمَةً لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ تَعَالَى صَلَاتَهُ وَ لَا صِيَامَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَ لَيْلَةً إِلَّا أَنْ يُغْفَرَ لَهُ صَاحِبُهُ.

وَ عَنْهُ [صلى الله عليه و آله] قَالَ مَنْ اغْتَابَ مُسْلِمًا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لَمْ يُؤْجَرْ عَلَى صِيَامِهِ.

◀ همچون مگسان تو بر پلیدی منشین:

شما مثل زنبور عسل باشید^۴ که فقط روی گل‌ها می‌نشینند؛ مثل مگس نباشید که بر رو پلیدی‌ها می‌نشینند؛ دوست شما اگر بدی دارد؛ بدی او را نبین؛ صفات خوب او را ببین^۵؛ انقلاب خوبی‌های فراوانی دارد؛ بعضی‌ها مثل مگس فقط روی بدی‌های آن دست می‌گذارند؛ شما خوبی‌های آن را هم ببینید. اگر بدی هم می‌بینید؛ این بدی‌ها هم از خودمان است و مربوط به انقلاب نیست؛ مراجع تضعیف انقلاب را جایز نمی‌دانند؛ اگر تو انقلابی هم نباشی تضعیف انقلاب جایز نیست؛ اگر کسی علیه انقلاب حرف بزند و انقلاب تضعیف شود و آمریکا بیاپید مطمئن باشید وضع ما بدتر می‌شود، بر فرض که انقلاب ما بدی هم داشته باشد، باز بهتر است از تسلط آمریکا بر ما بدتر از همه بدی‌هاست.

اگر کسی می‌گوید آمریکا بهتر است؛ به‌خاطر عوامی اوست؛ کسی که عاقل است؛ کسی که اهل مطالعه است؛ این‌طور حرف نمی‌زند؛ شما مگر اوضاع عراق و دیگر بلاد مسلمین و دنیا را نمی‌بینید؛ آنها کجا امنیت دارند؟!.

یقیناً اگر آمریکا بر ما مسلط شود دمار از روزگار مسلمین درمی‌آورد؛ خدایا این انقلاب ما را به انقلاب حضرت مهدی (عجل‌الله تعالی فرجه) متصل بفرما.

◀ ادامه دعا:

خدایا مرا به ستر زینت بده؛ مرا طوری قرار بده که دنبال عیب مردم نباشم؛ در حدیث آمده است: خوشا به حال کسی که عیوبش او را از پرداختن به عیب‌های دیگران بازداشته است.^۶

◆ وَالْعَفَافُ:

عفاف به معنی؛ گناه نکردن است؛ و انسان عفیف؛ به معنی کسی که اهل گناه نیست.

◆ وَاسْتُرْنِي فِيهِ بِلِبَاسِ الْقُنُوعِ وَالْكَفَافِ؛ خدایا؛

به من دو لباس بپوشان؛ لباس قناعت و لباس کفاف؛

کفاف به معنی؛ راضی بودن به معاش به قدری که زندگی انسان بگذرد به قول مردم «آب‌باریکه» داشته باشد.

^۴ آسمان و جهان، ترجمه کتاب السماء و العالم، بحار، ج ۸، ص ۱۷۳.

پیغمبر صلی‌الله علیه و آله فرمود: مؤمن چون زنبور عسل است، پاکیزه خورد و پاکیزه نهد و بیفتد و نه شکسته شود و نه تباها گردد و در شعب بیهقی است از مجاهد که با عمر از مکه تا مدینه همراه بودم و از او شنیدم حدیثی از رسول خدا صلی‌الله علیه و آله بازگوید جز اینکه: مؤمن چون زنبور عسل است اگرش همراه باشی سودت دهد و اگرش مشورت کنی سودت دهد و اگرش همنشین گردی سودت دهد و همه کارش سود است و زنبور عسل هم همه کارش سود است.

^۵ منقول است که حضرت عیسی علیه‌السلام با حواریون گذارشان بر مرده سگ لاغراندام بیمار و متعفن افتاد، حواریون گفتند: عجب سگ متعفن است! آن حضرت فرمود: عجب دندان‌های سفیدی دارد، کنایه از این که غیبت نکرده و دندان‌هایش سفید مانده، پس شما هم غیبت نکنید تا دهانتان کثیف نگردد (در باطن) [ارشاد القلوب، ترجمه مسترحمی، ج ۲، ص ۸۰].

^۶ مستدرک الوسائل، ج: ۱، ص: ۱۱۶.

◀ طلب روزی به قدر کفایت:

رسول خدا در مسیری به گله گوسفندان رسیدند و به شبانی فرمودند: کمی شیر بیاورید؛ شبان مقداری شیر برای ایشان آورد و حضرت برای او دعا کردند که خدایا به قدر کفاف به او روزی بده.

باز در جای دیگر حضرت از شبان دیگری در خواست مقداری شیر کردند؛ ولی آن شبان امتناع کرد و نیاورد؛ حضرت برای او دعا کردند که خدایا به او مال و ثروت بده.

اصحاب تعجب کردند؛ و گفتند چگونه است که برای اولی که شیر آورد حضرت آن طور دعا کرد و برای دومی طلب مال و ثروت نمودند؟!

حضرت فرمودند: دعای حقیقی همان دعای اول بود که برای او از خدا طلب روزی به قدر کفاف نمودم؛ چراکه مال زیاد اسباب زحمت آدمی است.^۷

◀ فضل و بخشش علما:

در باره شیخ محمدحسین زاهد، گفته اند که کسی برای ایشان یک کیسه برنج آورده بود؛ ایشان به اندازه یک کاسه برنج از آن کیسه برداشتند و گفتند: همین مقدار برای امشب کافی است؛ و امر کردند که بقیه این برنج را به فقرا بدهید.

در قدیم مردم شب به شب غذا تهیه می کردند؛ این طور نبود که برای چند ماه غذا در منزل ذخیره کنند! از خدا به قدر کفاف روزی بخواهید؛ ثروت زیاد خوب نیست؛ البته نداری هم خوب نیست. خلاصه اهل قناعت باشید.

◀ شعر:

قناعت توانگر کند مرد را
خبر کن حریص جهانگرد را^۸

^۷ رک: کافی؛ ج ۲، ص ۱۴۰.

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ عَمْرٍو عَنْ يَزِيدَ بْنِ إِسْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ النَّوْفَلِيِّ رَفَعَهُ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ [عليه السلام] قَالَ مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ [صلی الله علیه و آله] بِرَاحِيٍّ إِذْ قَبَعَ ثَوْبَهُ يَسْتَسْقِيهِ فَقَالَ أَمَّا مَا فِي صُرُوعِهَا فَصُبُّوحُ الْخِي وَ أَمَّا مَا فِي آيَتَيْنَا فَعَبُوفُهُمْ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ [صلی الله علیه و آله] - اللَّهُمَّ أَكْثَرُ مَا لَهُ وَ وَلَدُهُ ثُمَّ مَرَّ بِرَاحِيٍّ غَنِمَ فَبَعَثَ إِلَيْهِ يَسْتَسْقِيهِ فَحَلَبَ لَهُ مَا فِي صُرُوعِهَا وَ أَكْفَأَ مَا فِي إِيَّاهِ فِي إِنَاءٍ - رَسُولُ اللَّهِ [صلی الله علیه و آله] وَ بَعَثَ إِلَيْهِ بِشَاةٍ وَ قَالَ هَذَا مَا عِنْدَنَا وَ إِنِّي أَحْبَبْتُ أَنْ تَزِيدَكَ زِدْنَاكَ قَالَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ [صلی الله علیه و آله] - اللَّهُمَّ ارْزُقْهُ الْكَفَافَ فَقَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ دَعَوْتُ لِلَّذِي رَدَّكَ بِدُعَاءٍ عَامَّتُنَا نُجِبُهُ وَ دَعَوْتُ لِلَّذِي أَسْعَفَكَ بِحَاجَتِكَ بِدُعَاءٍ كُلَّنَا نَكْرَهُهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ [صلی الله علیه و آله] إِنَّ مَا قُلَّ وَ كَفَى خَيْرٌ مِمَّا كَثُرَ وَ أَلْهَى اللَّهُمَّ ارْزُقْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ الْكَفَافَ.

^۸ بوستان سعدی؛ مثنوی.

در حدیث داریم «عَزَّ مَنْ قَنَعَ وَ ذَلَّ مَنْ طَمَعَ»^۹ قناعت انسان را عزیز می‌کند؛ امثال شیخ محمدحسین زاهد که اهل قناعت بود؛ عزیز بودند. روزی که ایشان رحلت کرد^{۱۰} تشییع جنازه با شکوهی برگزار شد به‌طوری که از مسجد جامع تهران تا ابن بابویه مردم پیاده او را حمل می‌کردند آن هم با آن جمعیت فراوان. همه این امور به‌خاطر اخلاقیات بالای ایشان بود که یکی از آن خصال صفت قناعت بود.

روزی مرحوم شیخ محمدحسین زاهد، مقداری ماست تهیه کرده بودند که با همسرشان بخورند؛ متوجه بوی غذا دیگری می‌شوند؛ از ایشان سؤال می‌کند که شما غذای دیگری هم درست کرده‌اید؟! همسر ایشان جواب داد، بله غذای ساده و مختصری مهیا کرده‌ام. ایشان گفتند: پس یکی از این دو خورش را بیاور و از هر دو غذا میل نکردند؛ هر کسی که اهل قناعت باشد عزیز است.

ایشان از وجوهات استفاده نمی‌کردند، کار می‌کرد و روزی خودش را درمی‌آورد تا می‌توانید از سهم امام نخورید، خود من هم الان از سهم امام استفاده نمی‌کنم.

♦ وَ اَحْمِلْنِي فِيهِ عَلَى الْعَدْلِ وَالْاِنْصَافِ

خدایا مرا اهل عدل و انصاف قرار بده

◀ رفتار متواضعانه آیت‌الله شیخ حسین کبیر :

مرحوم آیت‌الله شیخ حسین کبیر^{۱۱} وقتی برای خرید به قصابی می‌رفت به قصاب می‌گفت: از همان گوشتی به من بده که به همه می‌دهی؛ با اینکه ایشان مجتهد بود، خرید منزل را هم انجام می‌داد؛ به نانوایی هم که می‌رفت، تا آخر صف می‌ایستاد تا افراد جلوی او نان نمی‌گرفتند؛ ایشان نان نمی‌خرید؛ ایشان از اولیای الهی بودند. این صفت ایشان به‌خاطر عدالت او بود.

^۹ گنج حکمت یا احادیث منظوم، ص: ۵۳؛ صد کلمه قصار مولی امیرالمؤمنین از حاج شیخ عباس قمی، صفحه ۴۶. ترجمه: عزت یافت کسی که قناعت کرد، و ذلت یافت کسی که طمع ورزید

از طمع بگذر که ذل من طمع
رو قناعت کن که عز من قنع
هر که از درد طمع باشد علیل
در بر خلق جهان گردد ذلیل
کس بسرقت گر برد اموال تو
سخت دیگر گون شود احوال تو
هر جفا از بهر او داری روا
از غل زنجیر و زندان بلا
هست در چشم تو او خوار و ذلیل
خواهش از خنجر بران قتیل
چون طمع بنموده در اموال تو
بر فنای او رود آمال تو
گر تو هم اهل طمع باشی چو آن
نزد مردم بی‌وفا راستی بدان

^{۱۰} وفات ایشان در بیست و دوم محرم، ۱۳۷۲ هزار و سیصد و هفتاد و دو قمری واقع گردید.

^{۱۱} مرقد ایشان در حرم حضرت معصومه [سلام‌الله‌علیها] بالاسر مزار مرحوم آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری قرار دارد.

♦ وَ آمَنِي فِيهِ مِنْ كُلِّ مَا أَخَافُ؛

خدایا از هر چیزی که از آن می‌ترسم در امانم بدار

♦ بِعِصْمَتِكَ يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِينَ:

به عصمت خودت؛ به حفظ خودت؛ به نگهداری خودت قسم که مرا از امور مورد ترس نگهداری کن و دعاهاى امروز را در حق من مستجاب کن.